

مصطفیٰ (عمرزی)



بہ رنگ آبی

(شہد مینا)

Ketabton.com

به نام آفریده کار بی همتا



# به رنگ آبی

(شهید مینا کشور کمال)

نویسنده:

مصطفی عمرزی

نشر نخست

۱۳۹۳ شمسی

## مشخصات

|                  |  |
|------------------|--|
| نام اثر          | : به رنگ آبی                           |
| نویسنده          | : مصطفی عمرزی<br>(شهید مینا کشور کمال) |
| تایپ و تصحیح     | : ع.م                                  |
| بازنگری و دیزاین | : ع.م                                  |
| شمار صفحات       | : ۲۵                                   |
| زبان             | : دری افغانی                           |
| تیراژ            | : ۱۰۰۰ جلد                             |
| ناشر             | : با هزینه ی شخصی                      |
| نوبت نشر         | : اول                                  |
| سال              | : ۱۳۹۳ شمسی                            |

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱ /

## به رنگ آبی (شهید مینا کشور کمال)

افغانستان در گیر بحران که اینک در پی آمد فراز و فرود، هنوز در گیر است، در اوج بلندی ها و در فرود پستی ها، رستگاران را معرفی کرد که اگر مردم ما شان، حیثیت و خودشان را فراموش نکردند، از کمال انسانیت و تعلق خاطر همان رستگاران بهره بردند که بهترین مبارزه را در مسیر اهداف انسانی و میهنی، دنبال می کردند.

سرزمین ما اگر در بحث کشور ویران، محروم و حرمان یافته، سوژه ماند و از مقال بحران و بستر خونین اش برنامه می سازند و برای طمع و نیات خویش برنامه می بافند، سخن از زنان و مردان اش است.

طبیعت، خلاقیت، انبوه کار فکری، حتی هوس ها و ستم ها نیز خاص می شوند تا در جغرافیای انسانی افتاده در کره ی خاکی، تاریخ، داستان، روایت و مقال شوند و مردمانی که در جهان امروز، از گذشته خاطره دارند، از آن ها بیاموزند.

ما که ملاک خوبی و زشتی را در میزان فرهنگ خود همواره رعایت می کنیم، ویژه گی هایی که استوار بر ارزش های خوب انسانی اند، پشتوانه هایی می شوند که اگر پای صحبت ملت و میهن باشیم، اهمیت دارند.

زیر چتر آسمان آبی این سرزمین که خود صفای حضور است، مردان و زنان زیادی اندیشیده اند؛ رزمیده اند و ایثار کرده اند. در این میان

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲ /

اندیشه بر دختر افغان، پیش از آن که خیال را مجال دهد از کمال آفرینش در ظرافت بر زیبایی بیافتد، احترام را تبارز می دهد و این برای کسانی که زنده گی را مبارزه ی انسانی برای کرامت انسانی می دانند، خیره کننده تر است. رابعه، گوهر شاد، ملالی، ناهید ... و مینا، تلالوی ادبیات، خرد، حماسه، جرات و جسارت اند که الگو می شوند و از میان هزاران وجودی که شانس یافتیم از عقب سد های قیود بشناسیم، ما را متوجه می کنند ناگفته ها و آموزه های زیادی وجود دارند تا برای راستی و رستن، به یاد آوریم.

زمانه ها، هر کدام در نوعیت روزگار، حادثه ها را نگه داشته اند و خوشبخت ملت هایی اند که قید قلم، ایثار و جان نثاری فرزندان شان را به قید آورده است.

در زیر آسمان آبی و در فضای سرزمینی که تیره گی ها و سیاهی هایش ابر های بی ثمر اند، در فرصت هایی که روشنایی، رنگ آبی را حلاوت می دهد، مجال می یابیم مقال خود را تازه کنیم و این نمی شود مگر اندیشه بر کارنامه ی زنان و مردان این سرزمین.

در سطوری که قرار اند در این برگ ها رقم بخورند، اندیشه ای مرا واداشت تا اگر توانستم ترسیم کنم، جرات می دهد؛ جسارت می بخشد و بی باک بود.

پس از پایان کارنامه های راستی و درستی (پیش از هفت ثور) سیما هایی به شهرت آمدند که در دو سوی جهات مخالف و موافق، اگر

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۳ /

خوب دارند و زشت، بیشتر در قواره هایی «ما» ها و «منم» ها فراموشی می دهند که هیچ پایه ای استوار نخواهد بود.

حقیقت، کرامت انسانی و توجه بر ارزش هایی که پیوسته بر منافع توده ها بودند، اندیشه ای را معرفی می کنند که هرچند در روزگار سیاه کنونی، تحریف می شود، اما آهسته آهسته ما را انگیزه می بخشد مقال خود و خودشناختن را از نو دنبال کنیم.

مینا و اندیشه ی مینا را با مفهوم «حقیقت، تلخ است» دریافتیم و آگاه شدیم که در نوسان روزگار، حقیقتی نیز یافت می شود که هرچند تلخ است، اما کذب نیست.

مینا، زنی که فریاد کرد بی خود نشویم و خونین شد تا مهر حقیقت اش ابدی باشد، همان اندیشه ای ست که در این جا، او را جست و جو می کنم تا یاد ما نرود فقط راستی است که درستی می آورد.

سال ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)، سالی ست که در معرفی زنده گی فرزندان راستین این سرزمین، فرزندی از دخترانش را معرفی می کند.

مزیت زنده گی در پایتخت، دختر افغان را از مزایای آموزش در مکتب بهره مند می سازد و هیاهوی قطب ها (کمونیسم و امپریالیسم) شعور او را برای درک در روزگاری نیرو می بخشد که زایشگر حادثه هاست.

تا هنگام تجاوز اردوی سرخ، جامعه ی افغانستان، بیشتر متاثر از تحولاتی شد که از خارج صادر می کردند. این که جریان های راست، چپ، بنیادگرا ها و اعتدالیون به چه میزانی مقوله های رویداد های عظیم



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۴ /

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متاسفانه ناهنجار را ساخته اند، بدون آن که نیاز به بررسی آن ها باشد (تاریخ)، حضور نامیمون عوامل بحران در تجربه ی مردمسالاری دوم (حاکمیت کززی) را می توان با نحوه ی استفاده و کردار ناصواب، به راحتی درک کرد.

شهید مینا که در حاشیه ی جریان های وابسته و دلبسته به ملت قرار داشت، در مقدمه های بحران (۱۹۷۷) یکی از جسورترین و آگاه ترین جریان های سیاسی زنان افغان (راوا= جمعیت انقلابی زنان افغانستان) را به میان می آورد که برکنار از سازمانک ها و گروهک های فرمایشی، دولتی و حزبی-ایدیالوژیک، زنان و دختران افغان را برمی انگیزت برای مهین، مردم و خودشان مبارزه کنند.

سازمان «راوا» به مجموعه ی به هم پیوسته ای از آن زنان و دختران افغان مبدل می شود که ردیف می شوند و کلیت شدند تانه تنها سهم تاریخی خویش را حفظ کنند، بل وجودی (زن) را از ستم و برده گی ای بیرون کشند که این قید و بند را در توجیه جهالت و نادانی، میراثی از گذشته های تاریک نیز داشتند.

پس از تجاوز اردوی سرخ شوروی بر افغانستان، مینای آگاه و پویا، اندیشه اش را با نشر نشریه ی «پیام زن» در سال ۱۹۸۰، محسوس می سازد و نخستین سازمان زنان و دختران آگاه افغان، صاحب نشانی ای می شود که در همه مه و جنجال های مخالف و موافق (دو قطب کمونیسم و امپریالیسم)، تصویر برجسته از حضور ذهن ملت افغان و افغانان باورمند بر انسانیت و منافع افغانستان بود.

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۵ /

فاکولته ی شرعیات پوهنتون کابل، از مهمترین مراجع آموزش های عالی دینی در افغانستان است و این محضر به یاد دارد که چه گونه دختری از فرزندان این سرزمین، دلخواسته، معنویت الهی را خواسته بود؛ یادی که منتقدان تنظیمی او، باید به یاد داشته باشند.

مینای افغان، محصل فاکولته ی شرعیات، هرچند برای مبارزه اش بر ضد متجاوزان روس، برای پایان آموزش عالی موفق نشد، اما سفارشات الهی را با تاسیس موضع انسانی، بهتر از تفنگ به دستان و تنظیمیانی اجرا کرد که با تابو های وجود، توتم های قومگرا و تنظیمی، رهروان کنونی آنان اند.

بستری که برای مبارزه ی مینا و سازمان راوا به میان آمد، خشن تر و سنگلاخ تر از میوندی بود که ملالی قهرمان را معرفی می کند. داخل افغانستان با وحشت کمونیستی و بستر هجرت با تنوع ده ها تنظیمی که خواسته و ناخواسته چوب های سوخت آتش کمونیسم ستیزی بودند، هر افغانی را که محیط هجرت در پاکستان و ایران را می شناختند، آزرده می سازد. وحشیگری خلقی و پرچمی در قتل عام و رقابت های تنظیمی که پسان تر به بلایای عظیم ستیز قومی مبدل شدند، بستر های خوبی نبودند تا شماری از دختران و زنان آگاه- ولو جسور افغان، به راحتی از شان و سرزمین شان دفاع کنند.

قطب مخالف کمونیسم برای تحقیر و مبارزه با شوروی از هیچ گزینه ای روگردان نبود و این توجه، نقطه ی عطف در بررسی سیاست هایی ست که پی آمد های ناگوار داشتند.

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۶ /

همچنانی که افغانان آگاه و وطن پرست به حاشیه رانده می شدند، جلو تفکری نیز گرفته می شد تا مجاهدان افغان را مانع شوند که افغانستان، تنها «دارالجهاد جهانی» نیست، بل خانه ی مردمی نیز است که افغان نامیده می شوند.

کشانیدن جریان های برحق و مردمی افغانان به حاشیه که بر ضد شوروی مبارزه می کردند و آن نهاد هایی که آگاهانه در فکر مردم بودند، جویی را به وجود آورده بود که فقط با ترسیم ستیز جناح های درگیر از آن، به خوبی می توان تشخیص داد اگر در دو سوی زمینه های مردسالاری، مردان آگاه و وطن پرست افغان نابود شدند و به حاشیه رفتند، زنان و دخترانی که تعهد دینی و میهنی داشتند، برای مبارزه، ناگزیر از پذیرش چه ناگواری ها و تلخکامی هایی که نبودند؟ سازمان «راوا» و مینای شهید، در سالیان دشوار افغانستان و ملت افغان، در مسیری جلو رفتند که شعوری بود و از پیمایش این سیر، توشه ای ساختند که در هر بحران و نابسامانی، فقط به کار ملت و مردم می آید. نشریه ی «پیام زن» با نشر نوشته ها و انعکاس رویداد های افغانستان که از مزیت تفکر زنان و دختران مبارز و پاک افغان بهره می برد، دریچه های گرچه کوچک، اما همواره بازی بودند تا مردم ما در هیاهوی سیاست، منافع و خودشان را فراموش نکنند.

راست است و آزموده شد که اندیشه و کردار استوار بر اخلاص، ثواب می آورد. تردد جریان های دو قطب، عجیب نشده بودند که جامعه ای به نام تماشاچیان جنگ سرد، سیما ها و نوا هایی را مشاهده می کردند

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۷ /

که قطبی نبودند و در آن روزگار مواضع روسی- امریکایی، موضع انسانی می ساختند.

سازمان «راوا» و شهید مینا از ژرفای جبهات مبارزه در عقب بلندگوهای میدان هایی نیز قرار گرفتند که این جا و آن جا بحث «آدمیت» را سفارش می کردند.

حضور مینا در اجتماعات بیرون از افغانستان و عقب جبهات مجاهدان افغان در پاکستان و ایران، خواسته های بر حق مردم ما را سوای شعار و ستیزه گری های جهادی و کمونیستی به گوش جهانیان بُرد و تماشاچیان جهانی که مقال افغانستان را در نبرد دو قطبی و یا هم در ترحم بر توده های آواره دنبال می کردند، تعاریف دیگری نیز از افغانستان و افغانان شنیدند که با روایت مینا و «راوا»، عبارت از حقیقت حال مردم و کشوری بود که در گرماگرم نبرد، حقوق آنان زیر پا می شدند.

در سال ۱۹۸۱ میلادی، شهید مینا پس از دعوت حزب سوسیالیست فرانسه به اروپا می رود و تا اشتراک در کنگره ی «ولانس» که یاد او را با قامت افراشته و انگشتانی که با نشانه ی پیروزی ملت افغان، در برابر نماینده ی اتحادشوروی (بوریس پوناماریوف) بلند کرد تا جلسه را ترک کند، تاریخی می سازد.

بازگشت به جبهات مبارزه، دختر افغان را که دیگر از جا افتاده گی اندیشه هایش شادمان بود، انگیزه می دهد در مسیر مبارزه غمگسار باشد

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۸ /

و در محدود یادگار هایی که نگذاشتند بیشتر شوند، شفاخانه و آموزشگاه می سازد.

سایه ی ابر های جهالت که در هر کجایی بر ملت ما اشک تمساح می شود، به آسانی اجازه نمی دهد از این بدشکل بدتر کیب که از بخار و دود عنعنات و ستیز جانوران تنظیمی بر آسمان آبی رفته اند، دختران و زنان افغان از سیاهی به راحتی به روشنایی بروند.

رابعه را مجبور کردند با خون خویش، داستانش را رنگین سازد. گوهرشاد را اعدام کردند تا خرد زن را خفته کرده باشند. ملالی، پس از میوند، در اعماق مردسالاری ها، دفن شد. ناهید را کشتند تا شعور سیاسی را دفن کنند و مینا را ترور کردند تا جسارت زنان و دختران افغان را سانسور کنند. پایان زنده گی مینا، یک نواخت است: مرگی که زود رسید.

سال ۱۹۸۷ میلادی در شهر کویته ی پاکستان، تراژیدی ای را رقم زد که در واقع درد های مردم ما را تازه می کرد. گروه های رقیب و ستیزه گر تنظیمی که با بنیادگرایی دینی و مذهبی، برای هر چیز و هر کسی تعریف و برنامه داشتند، جریان ملی - جهادی شهید مینا را چراغی یافتند که در تاریکی های ذهنیت های قومی - تنظیمی، برای روشنایی افغانان روشن شده بود. مینا و دو تن از دوستانش شهید شدند. سال ۱۹۸۷ میلادی، تاریخ آن روز سیاه است.

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۹ /

**شهید مینا به روایت تصویر:**



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۰ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۱ /





به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۲ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۳ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۴ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۵ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۶ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۷ /





به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۱۸ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

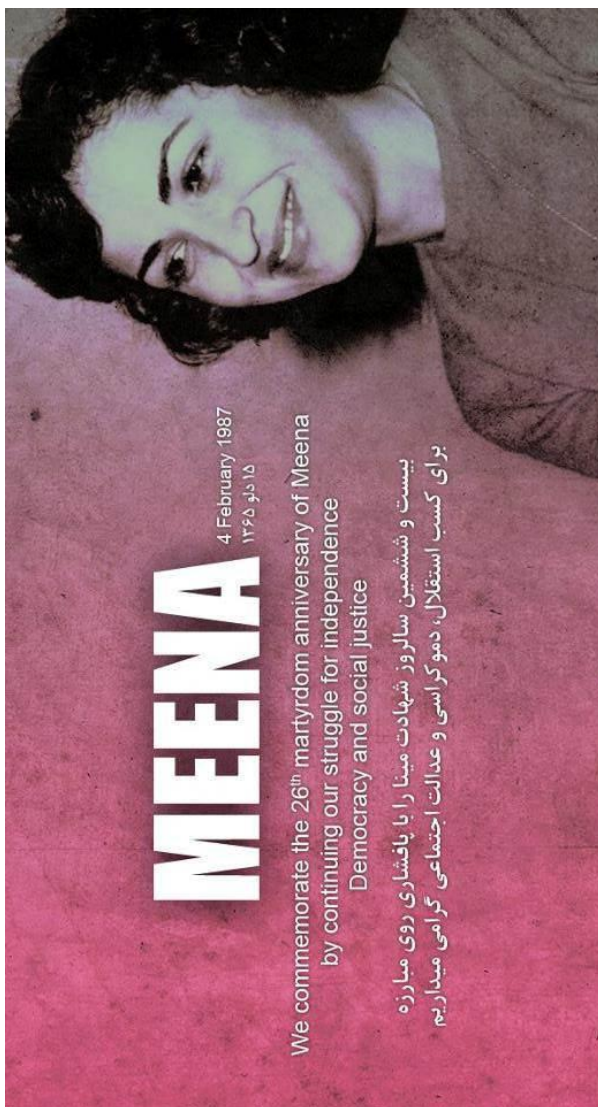
۱۹ /





به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۰ /



به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۱ /



**معرفی مصطفی «عمرزی»**  
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

**تجربیات کاری:**

عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون «۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان» و واحد تولید «آمو فلم».

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۲ /

- آفرینش های کاری- فرهنگی  
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:  
۱- برنامه ی مستند تاریخی «یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت  
۲۴ دقیقه یی.  
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آئینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت  
۲۴ دقیقه یی.  
۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.  
۴- فلم مستند «۲۶ سلطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.  
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در  
تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

- ۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
- ۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
- ۳- مرز و بوم (تاریخی).
- ۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
- ۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
- ۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
- ۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
- ۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
- ۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
- ۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
- ۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
- ۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)-  
منتشر شده است.
- ۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
- ۱۴- روزگار (نوستالژی).
- ۱۵- پاسخ (واکنش ها).
- ۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
- ۱۷- ارتجاع و مرجع (انتقادی).

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۳ /

۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).

۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).

۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).

۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

- ۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
- ۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
- ۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

- ۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

- ۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
- ۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
- ۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
- ۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
- ۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
- ۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
- ۷- آریایسیم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
- ۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
- ۹- دری افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
- ۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
- ۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
- ۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
- ۱۳- آرکایسیم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
- ۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۴ /

- ۱۵- محوطه ی سیاه (تیین و بررسی فارسیسم).  
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

- ۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.  
۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.  
۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.  
۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.  
۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.  
۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.  
۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

به رنگ آبی: نوشته ی مصطفی عمرزی

۲۵ /

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکیمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان - جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، «برنامه ی اجتماعی «همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).  
تأییدات فرهنگی - مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنخی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ ش.



**Mustafa Omarzai**

# In Blue Color

**(Martyr Mina)**

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**